

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

معرفی رساله‌های کمالات و کمالات از شاه‌داعی شیرازی و تصحیح نسخه خطی آن

محمد جواد ناسک جهرمی

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

nasek1364@gmail.com

چکیده

از جمله رسالات کمتر شناخته شده از شاه‌داعی شیرازی (۸۱۰-۸۷۰ ه.ق) شاعر و عارف قرن نهم ه.ق، که بیانگر توجه او به معارف عرفانی و فلسفی است، «رساله‌ی جمال کمال» یا «جمالات و کمالات» است. نسخه خطی این رساله در مجموعه آثار شاه‌داعی در کتابخانه گنج بخش پاکستان و نیز کتابخانه مجلس ایران موجود است. این رساله، به زبان فارسی است و در تبیین مفاهیم عرفانی و کمال انسانی محل تأمل جدی بوده و در بین شانزده رساله شاه‌داعی به تصحیح استاد دبیرسیاقی، نیامده است. این مقاله به معرفی «رساله‌ی جمالات و کمالات» و تصحیح نسخه خطی آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شاه‌داعی شیرازی، جمالات و کمالات، ذات الهی، کمال انسان.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

شاهداعی شیرازی که نام کاملش سید نظام الدین محمود است و به شاهداعی الی الله نیز خوانده می‌شود، از سادات حسنی و از عارفان و شاعران والامقام قرن نهم هجری قمری در فارس است. وی در حدود ۸۱۰ ه.ق به دنیا آمد و در جمادی‌الاولی سال ۸۷۰ ه.ق وفات یافت. [۳، ص ۳۳۲].

مهم‌ترین آثار شاهداعی شیرازی را می‌توان به سته‌ی داعی یعنی مثنوی‌های ششگانه که عبارتند از مشاهد، گنج روان، چهل صباح، چهارچمن، چشمه‌ی زندگانی و عشق‌نامه. در حوزه نثر نیز داعی شیرازی آثاری همچون رساله نسایم گلشن شرح گلشن راز شیخ شبستری، تحفه المشتاق، [۱۱] کشف المراتب و جواهرالکنوز شرح رباعیات سعدالدین حموی [۱۲] دارد. استاد زرین کوب، درباره‌ی سبک نظم و نثر شاهداعی اعتقاد دارد که در شاعری به طریقه‌ی خسرو نظامی می‌رفته است اما اینکه خود را نظامی یا نظامی ثانی می‌خواند ظاهراً غیر از علاقه‌اش به تتبع شاعر گنجه تا حدی به خاطر انتساب به لقب خویش بوده است: نظام‌الدین. [۳، ص ۳۳۲].

در اهمیت آثار و اندیشه شاهداعی شیرازی و تأثیر از ابن عربی، باید گفت که وی اولین عارفی است که آرای ابن عربی را برای مردم شیراز و فارس تشریح کرده است. در این زمینه می‌نویسند:

قبل از شاهداعی میرسیدشریف جرجانی نیز هنگامی که در شیراز به سر می‌برد با برخی از اصطلاحات ابن عربی، احتمالاً از طریق کتاب اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی، آشنا شده بود ولی با آراء ابن عربی کاری نداشت. بنابراین اولین صوفی که به عقاید صوفیانه و عرفانی ابن عربی، به خصوص فصوص الحکم، روی آورده و دست به نوشتن آثاری در زمینه‌ی تصوف ابن عربی زده است شاهداعی است. [۱، ص ۳۵۵].

یکی از آثار منثور و رسالات ارزشمند شاهداعی که کمتر شناخته شده است و البته دارای اهمیت بسیاری در تطبیق اندیشه‌های او با ابن عربی و صوفیان نخستین دارد، رساله جمالات و کمالات است. مهم‌ترین نکته‌ی رساله جمالات و کمالات شاهداعی که البته از عنوان رساله هم پیداست، توجه به کمال انسانی و اهمیت آن در عرفان و تصوف اوست.

شاهداعی شیرازی هم، به واسطه‌ی شاگردی شاه نعمت الله ولی از آثار محیی‌الدین بی‌تأثیر نبوده است و حتی می‌توان گفت اینکه شاهداعی یکی از رسالات ابن عربی را ترجمه کرده است، برخاسته از شاگردی در مکتب شاه نعمت الله ولی است. بنابراین از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که سهم بسزایی در اندیشه شاهداعی به ویژه مسئله توحید، وحدت وجود، ولایت و انسان کامل در عرفان وی دارد، شاه نعمت الله ولی و شیخ اکبر ابن عربی است.

منزلت محیی‌الدین ابن عربی (م ۵۶۵۶ ه.ق) به ویژه با تألیفات فصوص الحکم و فتوحات مکیه و شاه نعمت الله ولی کرمانی (م ۵۸۳۴ ه.ق) بنیان‌گذار سلسله نعمت‌اللهیه در تاریخ عرفان اسلامی و تصوف بر محققان پیدا و شناخته شده است.

شاه نعمت الله ولی که در قرن نهم هجری زندگی داشته است از آثار و اندیشه ابن عربی بسیار متأثر بوده و حتی یکی از رسالات او در شرح فصوص الحکم ابن عربی است. [۹، ص ۴]. این شعر نیز از شاه نعمت الله ولی است

کلمات فصوص در دل ما چون نگین در مقام خود بنشست

از رسول خدا رسید به او باز از روح او به ما پیوست [۹، ص ۴].

پورجوادی اعتقاد دارد که نظام‌الدین محمود بن حسن الحسنی ملقب به داعی‌الی‌الله و معروف به شاهداعی (ف. ۸۷۰) را باید نخستین صوفی دانست که آراء ابن عربی را به شیرازیان معرفی کرده است. [۱، ص ۳۵۵].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وی معتقد است که معرفی تصوف ابن عربی به شیرازیان کاری بود که در قرن نهم ابتدا توسط شاه‌داعی شیرازی انجام گرفت. [۱، ص ۳۵۵]. این درحالی است که یکی از آثار شاه‌داعی شیرازی که تاکنون چندبار به چاپ رسیده است، ترجمه رساله حقیقه‌الحقایق ابن عربی است. [۵]. یکی دیگر از آثاری که بیانگر تأثیر ابن عربی بر شاه‌داعی شیرازی است، همین رساله‌ی جملات و کمالات است.

از این رو، تعلیم عمده‌ای که در کلام [شاه‌داعی] همه جا بچشم می‌خورد و خمیرمایه‌ی اصلی نظم و نثر او را تشکیل می‌دهد مسأله وحدت وجود است - در معنی وحدت در کثرت. [۴] اما چنانچه اشاره شد، مباحث و مسائل دیگری نیز در تعالیم و آثار شاه‌داعی نظیر مبحث کمالات انسانی محل تأمل جدی است.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی شخصیت، زندگی، اشعار، آثار و اندیشه‌ی شاه‌داعی شیرازی، تحقیقات ارزشمندی انجام گرفته است. از آن میان می‌توان به شانزده رساله از شاه‌داعی شیرازی تصحیح استاد دبیرسیاقی اشاره کرد. [۲]. در این اثر رساله جملات و کمالات، معرفی و تصحیح نشده است.

۳. نگاهی به رساله‌ی جملات و کمالات

رساله‌ی «جملات و کمالات»، در مجموعه آثار شاه‌داعی در کتابخانه گنج بخش پاکستان به شماره ۸۴۹ در صفحات ۵۷۸ تا ۵۸۶ در حاشیه صفحات کتابت شده و نگهداری می‌شود. [۶]. همچنین نسخه‌ی دیگری از این رساله در نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۶۳۱ و در مجموعه‌ای بیست و دو رساله در صفحات ۱۳۳ تا ۱۴۰ کتابت شده است. [۷]. شاه‌داعی در رساله‌ی جملات و کمالات به بیست و پنج نکته عرفانی راجع به کمال، کمال انسانی و کمالات الهی اشاره کرده و توضیح می‌دهد. موضوعی که وجه تسمیه عنوان این رساله را نیز می‌رساند.

رساله‌ی جملات و کمالات، به زبان فارسی است و در تبیین معارف عرفانی محل تأمل جدی بوده و در بین شانزده رساله شاه‌داعی به تصحیح و چاپ از استاد دبیرسیاقی، نیامده است. در تحقیقات دیگر شاه‌داعی پژوهان نظیر استاد محمدحسین تسییحی، نجیب مایل هروی مشاهده شد. به نظر می‌رسد شاه‌داعی این رساله را به خواهش یکی از دوستانش تألیف نموده و این موضوع، توجه اطرافیان شاه‌داعی را از ارزش حضور او حکایت می‌کند.

در مقدمه کتاب نسائم گلشن شاه‌داعی شیرازی در یک جمله به این اثر به عنوان یکی از رسالات شاه‌داعی اشاره شده است. [۸، ص ۹۱]. و عنوان شده که مشتاقان را به آن دسترسی نیست اما چنانچه اشاره شد، ما به دو نسخه از رساله جمال کمال یا جملات و کمالات دست یافته‌ایم.

در ادامه به تصحیح و استنساخ نسخه خطی رساله جملات و کمالات براساس دو نسخه کتابخانه گنج بخش پاکستان با علامت اختصاری «پ» و کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران با علامت اختصاری «م» پرداخته‌ایم. خوشبختانه این دونسخه، واضح و قابل استنساخ بوده و در مقابله‌ی با هم تفاوت چندانی ندارند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

لازم است یادآوری شود که تصحیح این رساله و چاپ آن براساس نسخه‌ی گنج بخش پاکستان و کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران مقابله نشده و از این منظر تازگی دارد.

۴. تصحیح رساله الموسومه بجماليات و کمالات^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على نواله والصلوه على ختم الرساله محمد مزین العالم بجماله و کماله و على عترته وآله دوستی سؤال کرد، که کمال چیست، نسبت با هر کسی و هر چیزی؟ قلم و دوات حاضر بود و بی تکلف، آنچه سانح شد، نوشت و نوشته تسمیه به جمالات و کمالات یافت. اگر نقصانی در آن باشد، ناظران به عفو به پوشند و در عیب نکوشند، که مقتضای کرم باشد.

[۱]

جمال: کمال، عبارت است از تقدیر بر اوصافی در ذوات که چون آن ذوات به آن اوصاف موصوف باشند، کامل باشند و اگر به آن اوصاف مقدره موصوف نباشند، ناقص باشند. پس، نقصان ناتمامی وصف مقدره است.

[۲]

جمال: تقدیری که گفته شد، از نسبی است که در علم الهی، ثبوت دارد و در علم الهی، همچنین است که «تلک الاوصاف مقدره لتلک الذوات ان اتصفت فی عین العالم بها فهی کامله و ان لم يتصف بها فهی ناقصه».

[۳]

جمال: تقدیر اوصاف نسبت با اجناس و انواع و اوصاف و افراد باشد. اجناس و انواع و اوصاف کلیاتند و افراد جزویات و کمال بر دو قسم است: ذاتی و حصولی. ذاتی، آن بود که آن وصف مقدر از ذات شیء در علم الله و در عین علام منفک باشد و حصولی، آن است که ذات شیء در علم حق تعالی اقتضای آن کند که در عین عالم او را آن وصف حاصل شود.

[۴]

جمال: کمالات ذاتی بر دو قسم باشد: اوصاف ذاتی که در او وجود به غیر محتاج نباشد و اوصاف ذاتی که در او وجود تعقل محتاج باشد. قسم اول، کمالات حق تعالی است و قسم ثانی کمالات غیر او.

[۵]

^۱ . عنوان نسخه پ، رساله جمال کمال آمده و در نسخه م عنوان رساله جمالات و کمالات کتابت شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جمال: ذات الله تعالی در او، وجود مسند به غیر نیست و عدم استناد وجوب وجود اوست و به حسب رتبت این وصف، سابق است بر کمالات دیگر او را. چنانچه وجود او به وصف عدم، احتیاج موصوف است، کمال او نیز موصوف است و براهین قاطعه‌ی عقلیه و دلایل ساطعه‌ی نقلیه و شواهد واقعه‌ی کشفیه امتناع وجود دو^۲ واجب ثابت است. پس، واجب‌الوجود، یکی باشد و متعدد در وجود، که غیر اوست، لازم آید که در اتصاف به وجود، چون نه واجب است، ممکن باشد. یعنی، مستند در وجود به غیر و چون در وجود وصف امکان که احتیاج به غیر همه مشارک‌اند، آن غیر واجب‌الوجود باشد. پس غیر واجب‌الوجود را همه وجود از وجود واجب‌الوجود مفاض باشد و وصف مقدر هر ممکن که کمال اوست، خواه منفک از ذات او نباشد یا باشد، که چون وجود مفاض از واجب‌الوجود باشد، آن کمال همچنین مفاض از او باشد.

[۶]

جمال: هر ممکنی که کمال او ذاتی است و از او منفک نیست، یعنی واجب‌الوجود آن کمال با وجود او بر او افزایه فرموده است، نه بعد از وجود او خود کامل است. غایت آنکه در کمال خود محتاج است به واجب تعالی. چنانچه در وجود و ممکنات کامله که کمالات ایشان منفک از ذات ایشان نیست، کلیاتند و آنچه کمال ایشان منفک است از ذوات ایشان و محتاجند به تحصیل کمال، جزویاتند.

[۷]

جمال: ممکنات کلیه را بل جزویات، دو مجلی است: علم الهی و عین عالم. در علم او، که قدیم است جز نسبی نیستند ثابت که محققان آن نسب را اعیان ثابت خوانند، که ثبوت دارند وجود ندارند و نزد قائل براین معنی، ثبوت و وجود یکی نباشد و فرق باشد، میان تحقق هر دو. چه تحقق یکی عینی علمی است، بی وجود خارجی و تحقق یکی، عینی خارجی مطابق تحقق عین علمی. و اعیان ثابت، از آن رو که تحقیقی ثبوتی در علم دارند، بحث از ذوات و اوصاف ایشان می‌رود، نه از آن دو که موجودند به وجود خارجی. پس اعیان ثابت، در علم قدیم چون دایم الثبوت بلاوجود بوده‌اند، مجعول به جعل جاعل نباشد و در عین عالم که بعد از مسبوقیت به عدم موجود گردند، همه مجعول به جعل جاعل باشند و در این جعل دو قسم بود: کلیات، که کمالات از ذات ایشان منفک نباشد و جزویات، که کمالات از ذوات ایشان منفک باشد.

[۸]

جمال: چون ذات واجب‌الوجود، ازلاً و ابداً به دوام و بقاء متصف است و اوصاف مقدره‌ی او کمالات اوست که منفک از ذات او نیست، آن اوصاف قدیم باشد و از وجه تعدد آن اوصاف و تمایز حقایق آن اوصاف از یکدیگر، آن اوصاف غیر ذات باشند و از آن وجه که هریک عینی مستقل جدا از ذات در خارج ندارند که اشارت به سوی او توان کرد، عین ذات باشند و چون عین ذات باشند، تعدد قدما لازم نیاید.

[۹]

جمال: وجوب وجود الهی که عدم احتیاج است به غیر و کمال الهی که منفک از وجود او نیست مستلزم غناست و استناد ممکن به سوی حضرت او در وجود و کمال مستلزم فقر و آیت هر دو «والله الغنی و انتم الفقراء» [سوره محمد(ص)/۳۸] و هر دو معنی از آیت، اقتضای آن می‌کند که واجب، اله باشد و ممکن، ملک او و عبید او. چون این اقتضا مترتب بر اتصاف حضرت الهی به وجوب و اتصاف ممکن به امکان است و این وصف به اعتبار ملازمه بین الوجوب و الامکان، دایم است. پس، دایم واجب‌الوجود، متصف به وصف الهیت

^۲. نسخه م کلمه «وجود دو» را ندارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

باشد و چون وصف الهیت مترتب بر وجوب است، غیر او اله نباشد و چون واجب تعالی یکی است و او اله است. اله یکی باشد. قال الله تعالی: «و الهکم اله واحد». [سوره بقره/۱۶۳].

[۱۰]

جمال: حضور ذات الهی آن حضرت را که دایمی است نه بر وجه اضافهی چیزی بسوی او یا اضافهی او بسوی چیزی، حیات اوست و ثبوت این حضور او را ازلاً و ابداً که نظام امر الهیت او مترتب بر آن است، قیومیت اوست، «لا اله الا هو الحی القيوم» [سوره بقره/۲۵۵] و حضور ذات حضرت الهی او را به وجود اضافهی چیزی بسوی او یا اضافهی او بسوی علم اوست و حضور ذات او، او را، بر وجه تخصیص اضافهای از این اضافات، ارادت اوست و حضور ذات او، او را بر وجه ظهور این تخصیص از او قدرت اوست و حضرت واجب الوجود، در این اوصاف مذکوره در الهیت کافی است. پس علی سبیل الاجمال، وجوب وجود و قیومیت و الهیت و وحدانیت و علم و ارادت و قدرت، کمالات الهیت و علی سبیل التفصیل، اوصاف [اوصافی] که کمالات اوند [هستند] حضور ذات آن حضرت را در ثبوت آن کمالات اعتبار می‌رود. چنانچه سمع او، حضور ذات او باشد او را اعتبار اقتضای ذات ظهوری از ظهورات تفصیلی را و بصر او، حضور ذات باشد آن حضرت را، به اعتبار نهایت آن حضور و کلام او، حضور ذات او باشد او را اعتبار وجود آن ظهور و علی هذا اوصاف را اجمالاً و تفصیلاً هر یک چون ملاحظه کنند یافته و قایم است به ذات به ملاحظه‌ی قیام تعینی از تعینات او باشند و اگر ملاحظه رود که به هر تعینی از تعینات ذات است که به آن تعین ظاهر و متجلی است هر تعینی از آن تعینات به ملاحظه‌ی ظهور ذات تعینی از تعینات اسماء او باشد و هر تعینی از تعینات اسمی چون ملاحظه‌ی تجدد ظهور او رند فعلی باشد از افعال او چون بعد از تجدد ظهور ملاحظه‌ی اضافهی او رود بسوی زمان و مکان و مجلی آن تعین اثری باشد از آثار.

[۱۱]

جمال: کمالات ممکنات کلیه، چون به حسب ذات حاصل است که وجود افاضه بر ایشان رفته تحصیل آن معقول نیست. پس تحصیل کمال راجع به جزئیات آن کلیات باشد و تحصیل آن بر دو قسم بود: قسمی که اضافه یابد، حصول آن به فعل الله تعالی، بی واسطه یا به واسطه و قسمی که، اضافه یابد تحصیل آن به غیر از ملک و جن و انسان.

[۱۲]

جمال: کمالاتی که تحصیل آن اضافه بسوی ملک می یابد ملک در ایقاع آن هرگز تخلف ندارد چه به فرمان کار میکند و انقیاد او فرمان الهی را به این وجه است که «لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون» [سوره تحریم/۶].

[۱۳]

جمال: کمالات که تحصیل آن اضافه بسوی جن و انس می‌یابد، [و] تخلف از هر دو در آن واقع می‌شود، به آن تخلف مؤاخذاند و ملوم، اگرچه مأمورند به آن، از جانب شرع مؤاخذاند و اگر ملزم‌اند به آن، از جانب عقل ملوم‌اند و هر جزئی که کلی آن موصوف ادراک تعقلی نباشد، در ترک تحصیل کمال خاص از او نه مؤاخذ باشد و نه ملوم. پس مکلف و ملوم جن و انسند.

[۱۴]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جمال: کمال هر چیزی آن بود که متصف شود به صفتی که به آن صفت از افراد جنسی یا نوعی یا صنفی تواند در اوصافی که آن جنس و نوع و صفت را باشد مثلاً گوئیم جمادیت جماد مشتمل است بر چه اوصاف هر فردی که به تمام آن اوصاف موصوف باشد کامل باشد و الا ناقص و در نبات و حیوان و انسان نیز چنین دان و این کمال که گفته شد عام است و صوری اما کمال خاص و معنوی آن است که هر جنس و نوع و صنف که هست از ممکنات واجب تعالی از افراد و جزئیات آن کلیات انقیادی میخواهد که در آن انقیاد بعضی از ممکنات بی اختیار چنانچه لایق مرتبه‌ی بی اختیار است حضرت او در وجود می‌آرد با اسبابی که مناسب حصول آن انقیاد است و در مختار آن کمال معنوی دو قسم کردانید: انقیاد باطنی و انقیاد ظاهری در انقیاد ظاهری مختار مکلف است به احکام شریعت و در انقیاد باطنی حال او حال غیر مختار است.

[۱۵]

جمال: در انقیاد ظاهری که حضرت حق تعالی مختار را به آن مکلف می‌دارد و مقرر فرموده که اسباب اصدار مکلف به بعضی از او باشد و بعضی خارج از او، اسباب از او، چنانچه بدن و اعضا و آلات و جوارح و قوی و عقل و ادراک با سلامت آن و اسباب خارج از او چنانچه ضرورتی که محتاج الهیا [الهی] باشد در اداء تکلیف از سایر اموری که انتفاع به آن حاصل شود از کائنات عالم اگر حضرت حق تعالی به مقتضای عنایت تمام اسباب خارجه و داخله بر فرد مختار به حسب ضرورات اداء تکلیف مهیا داشته است و الا معذور.

[۱۶]

جمال: کمال خاص، که جن و انس به تحصیل آن مکلف‌اند، عبادات الهی به شرط معرفت بر وجهی خاص مقرر مقرون به احکامی که آن را عقاید و اعمال گویند که قال الله تعالی «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». [سوره ذاریات/۵۶].

[۱۷]

جمال: کمال صوری و قسمی از معنوی که انقیاد باطنی است، مختص نیست به مختار عاقل. حضرت تعالی در ظهور آن کمال از غیر عاقل مختار، اسبابی تقدیر فرموده که اگر به آن اسباب شیئی جزئی متصف به صفت کلی خود شود، کامل باشد و الا ناقص ماند. چنانچه هر چه از جزئی موالید ثلثه معدن و نبات و حیوان باشد، باید که به صفت کلی خود متصف گردد، تا کمال اضافه به او تواند یافت.

[۱۸]

جمال: کمال عام صوری که در آن تکلف نیست، تحصیل آن به امر الهی نسبت کردن اقرب است که به تأثیرات به واسطه و کمال خاص معنوی که انقیاد است از غیر عاقل مختار و انقیاد از باطن عاقل مختار، تحصیل آن در عالم اسباب متعلق است به، آثار ارادت و قدرت الله سبحانه و تعالی، هرآینه سببی از اسباب ظاهر شود. چنانچه مثلاً انقیادی که از زنبور و مگس نحل مراد است در امر و نهی معنوی که آن انقیاد بر آن امر و نهی مترتب است امر معنوی می‌رسد که ای زنبور نیش زن در فلان وقت فلان را. البته به سببی از اسباب آن کس از زنبور گزیده شود و آن انقیاد در امر صورت بندد و نهی معنوی می‌رسد که: ای زنبور! نیش مزن در فلان وقت فلان را البته سببی از اسباب مانع در معرض نیش زدن و آن کس از زنبور گزیده نشود و آن انقیاد نهی صورت بندد، ای مگس نحل! امسال غسل بسیار ده، غسل بسیار مده. پس، البته انقیاد در امر و نهی از مگس نحل، به سببی ظاهر یا پوشیده، صورت بندد.

[۱۹]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جمال: قسمی از انقیاد باطنی است در مختار، که اگر خواهد و اگر نخواهد، تخلف از آن صورت نه بندد. به منزله‌ی فعل ملک که در آن وارد است که «لایعصون الله ما امرهم و یفعلون مایؤمرون». [سوره تحریم/۶].

[۲۰]

جمال: انقیاد ظاهر از دو قسم کمال معنوی که تعلق به شریعت دارد و جن و انس به آن مکلف‌اند، به دو چیز حاصل می‌شود: عقاید و اعمال. به واسطه‌ی خلوص و اخلاص گاه انقیاد باطنی مطابق اوست و گاه نه مثل آنکه در ظاهر که شخص مکلف به فعل مأمور به است و ترک منهی عنه ناگاه در مأمور به و منهی عنه انقیاد باطنی معارض می‌گردد. در ظاهر گفته‌اند که بکن و در باطن می‌گویند که مکن و عکس و بیاید دانست که امر و نهی باطنی در صورت خواطر و الهامات اربعه‌ی ربانی و ملکی و شیطانی و نفسانی باشد. پس با وجود امر و نهی ظاهر، که حکم بر آن است و «هلا شققت قبله» که وارد است، امر و نهی باطن متبع نباشد و مدار بر انقیاد ظاهر بود در مختار که به عقل و ادراک و اسباب معده مکلف است تا در ترک مأمور به و فعل منهی عنه خواه که معارض باشد آن به امر و نهی باطنی و خواه که نباشد که مؤاخذ گردد.

[۲۱]

جمال: افراد انسان همه به شرایع الهی در ظاهر مکلف‌اند انبیاء و اولیاء و غیر ایشان و تکلیف به عذر مرتفع شود. در بعضی اوقات و احوال چنانچه از تفصیل احکام شریعت معلوم می‌گردد، انبیا و رسل به اخبار از حق به تبلیغ رسالت مکلفند و به آنچه امت مکلف است و امت مکلفند، به تصدیق اخبار و تبلیغ رسالت ایشان و قبول احکام شریعت به مقتضای آن در عقاید و اعمال. اما انبیاء و رسل قبل از نبوت و رسالت هرگز کافر نبوده باشند و کبایر از ایشان صدور نیافته باشد و قتل موسی قبطی را مأول است به تأویل صحیح و بعد از نبوت و رسالت معصوم باشند از کبایر مطلقاً و از صغایر به حسب عمد و جایز نباشد که مرتد یا عاصی شوند، بلکه عصمت، الی الموت مستمر باشد، ایشان را و اولیاء شاید، که کافر بوده باشند و ایمان آورده و ولایت یافته، اما در کفر و کبایر قبل از ایمان حکم ایشان، حکم همه‌ی افراد مؤمنان است «والایمان یحب ما قبله» و کبایر بعد از ایمان به توبه و رد مظله‌ی حضرت پروردگار، از ایشان اسقاط می‌فرماید و بعد از آن، ایشان را دلالت کرامت می‌کند و بعد از ولایت، طریان ارتداد و صدور کبائر بر ایشان جایز داشته‌اند و گویند که چون ایمان زایل شد، ولایت بی‌شایبه زائل شد. اما به کبائر از ولایت معزول نشوند و بعضی گویند معزول شوند و در صغایر، چه عمد و چه سهو، به اتفاق اجله‌ی صوفیه و، از ولایت معزول نگردند.

[۲۲]

جمال: در انقیاد ظاهری که مکلف به آن تبرک مأمور به و منهی عنه مؤاخذ است، چون مکلف را اتباع تمام باشد و هرچه به آن مأمور باشد، به جای آورده و هرچه او را نهی از آن کرده باشند، تحاشی از آن نموده و در عقاید و اعمال که در شریعت معتبر است، اجتهاد کرده و بر آن فرموده یا تابع اجتهاد دیگری شده و بر آن بوده و فرموده و به دلایل و ایشان ائمه‌ی دین‌اند و کاملان شریعت و اصحاب مذاهب و مجتهدان در مذهب و ناقلان در عقائد و اعمال در صور احکام از ائمه و مجتهدان چون به حسب نقلی که بر آن باشند خود عمل کنند و آن نقل معمول عامه دارند. ایشان کاملان علما و مفتیان باشند و عامه که بی دلیل منقول از ایشان اخذ و بر آن عمل نمایند، در صور احکام مشتمله بر عقاید و اعمال و از آن منقول معمول عدول نجویند، ایشان نیز کاملان باشند و هر که در این مراتب که گفته شد، در شریعت قصوری دارد، ناقص است، نه کامل.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

[۲۳]

جمال: مناهج عقاید و اعمال در صور احکام، عبارت از شریعت است و سلوک سبیل، تکمیل نفس مکلف به حسب ارتکاب آن عقاید و اعمال در صور احکام، کمال شریعت است و مسالک نیات و عزایم صادقه در تمکین نفس در تحت فضایل اخلاق و کسب آن و خلع نفس از رذایل و زجر از اکتساب آن، طریقت است و سلوک این مسالک، کمال در طریقت و علم بر حقایق اوضاع شریعت و اسرار طریقت بر وجهی که ارتباط آن حقایق و اسرا با اسماء الهی معلوم گردد، حقیقت است و حصول این نفس انسانی را کمال در حقیقت.

[۲۴]

جمال: فرق باشد، میان مجتهد در شریعت و مقلد و شیخ در طریقت و مرید و مکاشف در حقیقت و آخذ آن از او. با وجود تفاوت و تفاضل چون فرد انسانی، متصف به آن وصف باشد که در شریعت و طریقت و حقیقت به آن کامل می‌شود، هر آینه کامل باشد.

[۲۵]

جمال: کاملان در مراتب ثلثه ارباب ربیع‌اند و ناقصان اصحاب خسران و حصول کمال بلوغ کمال است و در آن هر آینه مراتب باشد چون به نهایت مراتب بلوغ کمال رسند کمال بلوغ باشد و در کمال بلوغ نیز به حسب اقدام و قلوب و مشارب انبیاء متفاضل باشند «تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض» تا به ختم رسد که به حسب قدم و قلب و مشرب افضل از همه باشد و همچنین اولیاء متفاوت‌اند. زیرا به مقتضای نسبی که در حدیث آمده است، در زمانی چند ولی از اولیاء بر اقدام و قلوب و مشارب انبیاء باشند و هر آینه یکی باشد که به قدم و قلب و مشرب حضرت ختم و رسالت بود. پس آن تفاضل موجب این تفاوت شود تا صاحب قدم و قلب و مشرب محمدی [صلی الله علیه و آله] از اولیاء در هر زمانی اعلی مرتبه باشد، از همه و توان گفت که او قطب‌الاقطاب و ولی‌الاولیاء و مهدی قایم آن زمان است و در کمال بلوغ ختم وانگه بر قدم و قلب و مشرب اوست، بر نهایت امرند و واسطه‌ی فیض و مدد در کمال مجموع کائنات و غرض از کمال همه‌ی ایشان و غرض از کمال ایشان آنکه، آینه‌ی وجه تجلیات ذات و صفات و اسماء و افعال و آثار الهی باشند و کامل مطلق که خدای برحق است، به واسطه‌ی مرآت ایشان دیگران را شناخته شود و مشاهده‌ی جمالات کمالات ذات و صفات و اسماء و افعال و آثار او متوجهان وجهه و وجه باقی او را حاصل گردد. وذلک هوالمقصد الاقصی فی الوجود والمشهد الاعلی فی الشهود والحمدالله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و هو بکل شیء علیم والصلوه علی الختم محمد و آله اجمعین. تم بحمد الله و حسن توفیقه والله الاعلم بالحق والصواب.

نتیجه

رساله جمالات و کمالات یکی از رسالات و آثار ارزشمند شاه‌داعی شیرازی (۸۱۰-۸۷۰ ه.ق) عارف و شاعر بزرگ قرن نهم ه.ق است که در ادبیات عرفانی و فلسفی محل تأمل جدی است. شاه‌داعی در این رساله به بیست و پنج نکته عرفانی و فلسفی اشاره کرده و هر یک از این نکات را با عنوان «جمال» از یکدیگر جدا نموده و بسیار کوتاه و مختصر و البته سودمند توضیح می‌دهد. تصحیح رساله جمالات و کمالات در کتاب شانزده رساله شاه‌داعی به تصحیح استاد دبیر سیاقی نیامده و تصحیح و استنساخ این رساله براساس دو نسخه کتابخانه گنج بخش پاکستان و کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در معرفی شاه‌داعی شیرازی و جایگاه علمی و ادبی او بسیار مؤثر است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع

- ۱- پورجوادی، نصرالله، قوت دل و نوش جان، چاپ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۹۶.
- ۲- دبیرسیاقی، سیدمحمد، شانزده رساله از شاهداعی شیرازی، چاپ اول، تهران، ایران، کانون معرفت، ۱۳۳۹.
- ۳- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف، چاپ پنجم، تهران، ایران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف، چاپ پنجم، تهران، ایران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- ۵- شاهداعی شیرازی، ترجمه رساله حقیقه الحقایق شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی، به کوشش نجیب مایل هروی، چاپ دوم، تهران، ایران، نشر مولی، ۱۳۸۵.
- ۶- شاهداعی شیرازی، مجموعه آثار، کتابخانه گنج بخش پاکستان، شماره ۸۴۹.
- ۷- شاهداعی شیرازی، مجموعه بیست و دو رساله، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس شماره ۶۳۱.
- ۸- شاهداعی شیرازی، نسائم گلشن شرح گلشن راز، به کوشش پرویز عباسی داکانی تهران، چاپ اول، نشر الهام، ۱۳۷۷.
- ۹- شاه نعمت الله ولی، رساله‌های حضرت سیدنورالدین شاه نعمت الله ولی، به سعی دکتر جواد نوربخش، چاپ اول، انتشارات خانقاه نعمت اللهی، ۱۳۵۶.
- ۱۰- ناسک جهرمی، محمدجواد، رسائل شاهداعی شیرازی جلد اول بیست و هفت رساله، تهران، چاپ اول، نشر امید، ۱۳۹۵.

مقالات

- ۱۱- شاهداعی شیرازی، رساله‌ی تحفه المشتاق، به کوشش محمدحسین تسبیحی، مجله‌ی دانش، ش ۵۷-۵۸، ۱۳۷۰، صفحات ۴۰-۱۳.
- ۱۲- شاهداعی شیرازی، رساله‌ی جواهرالکنوز، به کوشش محمدحسین تسبیحی، مجله‌ی دانش، ش ۴۵-۴۴، ۱۳۷۰، صفحات ۱۶-۱۱.